

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.331737.3168>

Abstract:

Nowadays, electronic media, such as news agencies and non-online media such as data carriers, has replaced print media (press), and the challenges that have plagued recent media civic responsibility have also shifted to these emerging media. In this research, while discussing the basics, pillars and sources of civil liability of online and non-online electronic media and addressing the issues and ways of compensation of these types of media, several important challenges are posed. First, because of the lack of a legal system for such media, the legal bases for print media are also generalized to the media, so the shortcomings seem to persist. Additionally, the Iranian judiciary is not very much experienced in the matter of the material and intellectual rights compensations of these online and non-online electronic media. Another challenge is about the assignment of responsibility in online and offline electronic media, with respect to the ambiguity in the responsibility of the magazine owner and predicting the responsibilities for the non-managing editors. Also in this context, "Blame" and "Presumption of Blame" as the desirable basis for the liability of online and non-online electronic media, and "Job Blame" and "Professional Liability" as one of the specific faces of blame are mentioned, and "Privacy Rules on the Functions of Online and Non-Online Electronic Media", "Exploiting the Capacity of the Documents of the Covenant of Ethics of Journalism or the Media Professionalism and Ethics", "Financial Compensation by Payment", "Predicting Civil Liability of the Online and Non-Online Electronic Media Holder" and "Online and Non-Online Electronic Media Holder Responsibility for Providing the Insurance for the Employees" are suggested as some of the components of the "The Desirable Model of Online and Non-Online Electronic Media Civil Liability."

مدل مطلوب مسئولیت مدنی مسئولان رسانه‌های الکترونیکی برخط و غیر برخط

مرتضی محبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

چکیده:

امروزه، رسانه‌های الکترونیکی برخط هم‌چون خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری و غیر برخط مانند انواع حامل‌های داده، جایگزین رسانه‌های چاپی شده‌اند و چالش‌هایی که در احراز مسئولیت مدنی رسانه‌های اخیر وجود داشت، به این رسانه‌های نوپدید هم منتقل شده است. در این تحقیق، ضمن بررسی مبانی، ارکان و منابع مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی برخط و غیر برخط و پرداختن به مسئولان و مقوله نحوه و مصادیق جبران خسارت این نوع رسانه‌ها، چند چالش مهم طرح می‌شود. نخست آن‌که به دلیل فقدان نظام حقوقی مدون برای این‌گونه رسانه‌ها، مبانی حقوقی موجود در خصوص رسانه‌های چاپی، به این رسانه‌ها نیز تعمیم می‌یابد بنابراین، به نظر می‌رسد نواقص هم‌چنان پابرجاست مضافاً این‌که نظام قضایی ایران در موضوع خسارت مادی و معنوی رسانه‌های الکترونیکی و چگونگی جبران آن از سابقه و تجربه چندانی برخوردار نیست. چالش دیگر، به موضوع انتساب مسئولیت در رسانه‌های الکترونیکی - باتوجه به ابهام در مسئولیت صاحب‌امتیاز و پیش‌بینی مسئولیت برای غیر مدیرمسئول - برمی‌گردد. هم‌چنین در این‌متن، «تقصیر» و «فرض تقصیر» به‌عنوان مبنای مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی و «تقصیر شغلی» و «مسئولیت حرفه‌ای» به‌مثابه یکی از چهره‌های خاص تقصیر، مطرح و «حکومت حریم خصوصی بر کارکردهای رسانه‌های الکترونیکی»، «بهره‌گیری از ظرفیت متن‌های سند میثاق اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری یا میثاق اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها»، «جبران خسارت معنوی به‌شیوه مالی (پرداخت پول)»، «پیش‌بینی مسئولیت مدنی برای صاحب‌امتیاز» و «الزام صاحب‌امتیاز به‌بیمه مسئولیت کارکنان رسانه» به‌عنوان برخی از اجزاء «مدل مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی برخط و غیر برخط» پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تقصیر - خسارت (مادی و معنوی) - رسانه‌های الکترونیکی (برخط و غیر برخط) - مسئولیت حرفه‌ای - مسئولیت مدنی.

^۱استاد مدعو دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

«عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات» عنوانی است برای دوران کنونی که لازمه و ابزار آن، رسانه است. امروزه نقش و تأثیر رسانه با کارکردهای بسزایش در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... بر کسی پوشیده نیست تا جایی که رکن چهارم دموکراسی معرفی می‌شود و در میان نسل‌های حقوق بشر، در نخستین نسل - که حقوق مدنی و سیاسی‌اند- جای می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۶۳)، (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۲۴) و (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۲۲۰) و مروّج و حامی نسل‌های دیگر است.

رسانه، در این دوره از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌توان گفت مفاهیم بنیادین حقوق شهروندی و مردم سالاری از قبیل حق آگاهی و... به نقش و نفوذی که رسانه ایفا می‌کند، وابسته است. حتی در ایران، به‌زعم برخی از صاحب‌نظران، احزاب از جایگاه حقیقی خود برخوردار نیستند و بار احزاب بر دوش مطبوعات است.

از طرفی، به‌مدد پیشرفت‌های تکنولوژیک، رسانه دیگر محدود به شکل مکتوب آن نبوده، فضای مجازی - افزون و هم‌چون دنیای حقیقی - جولان‌گاه رسانه شده است.

در ایران، همانند بسیاری کشورهای شمار رسانه افزایش یافته، «توسعه انتشار نشریات الکترونیک» یکی از محورهای اجرایی «سند توسعه مطبوعات» مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران است.

مضاف بر فراوانی، فراگیری، یکی از ابعاد و ویژگی‌های رسانه در روزگار معاصر شده، بدین معنا که این کالای فرهنگی فقط منحصر به قشر و گروهی خاص نیست. کم و بیش همه مردم - چه شهری و چه روستایی، چه باسواد و چه کم‌سواد و حتی بی‌سواد- از آن استفاده می‌کنند و بهره می‌برند.

از سوی دیگر رسانه باعث ترویج آموزه‌های مورد نیاز برای زندگی بهینه بشری می‌شود. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، نظارت، تبلیغات، پرکردن اوقات فراغت و... از کارکردهای رسانه به حساب می‌آیند.

در کنار کارکردهای مثبت - که به تعدادی از آن‌ها اشاره شد- نمی‌توان و نباید از سوء عملکرد رسانه غافل بود. این امر غیر قابل انکار است که سطح تأثیرگذاری رسانه، عمیق و وسیع (تأثیرگذاری طولی و عرضی در لایه‌های اجتماع) است و می‌تواند در صورت عدم مهار، تبدیل به سلاحی مخرب شود. به‌عبارت‌آخری، رسانه مانند دیگر وسایل، هم فرصت است و هم تهدید. به‌همین جهت مفاهیمی چون حقوق رسانه در دهه‌های اخیر جای خود را در نظام حقوقی کشورهای مختلف از جمله ایران گشوده است.

در حوزه رسانه، نظیر دیگر عرصه‌ها حقوق و تکالیف به‌هم آمیخته‌اند و اصطلاحاً معجونی از هر دو است. در این میان، نقش حقوق خصوصی در مفاهیم به‌هم پیوسته حقوق رسانه را نمی‌توان نادیده انگاشت و در متن پیش رو، از بین مسئولیت‌های مدنی و کیفری، به‌مسئولیت مدنی پرداخته خواهد شد و در باب رسانه، اگرچه بحث به‌گرایش‌های حقوق بشر، عمومی و جزا نیز نزدیک است لکن از منظر حقوق خصوصی، بررسی می‌شود.

هرچه بر ضریب نفوذ و فراگیری رسانه در جامعه افزوده شود، نظام حقوقی ناگزیر از پیش‌بینی سازوکارهای به‌روز و مناسب است تا از آسیب‌رسیدن به‌کلیت و افراد جامعه جلوگیری یا کاسته شود. مقصود از کلیت جامعه، ساحت کلی ارزشی، اخلاقی و آرامش جامعه است و از حیث افراد نیز این آسیب‌رسانی ممکن است به‌کالبد شخصیت و

حیثیت معنوی، اخلاقی و حتی اقتصادی افراد جامعه صورت گیرد. بنابراین برای نیل به این هدف (جلوگیری از آسیب رسیدن به کلیت و افراد جامعه) نیاز است که نظام حقوقی پاسخ‌های مؤثر و متناسب در نظر گیرد.

علت پرداختن به این موضوع، از جمله آن است که فعالیت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های خاصی هستند و در نتیجه، چارچوب‌های حقوقی خاص را می‌طلبند (معتد نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹) هم‌چنین، ورود مقولات «رسانه» و «رسانه‌های الکترونیکی برخط و غیر برخط» به نظام وضع مقررات با تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات.

گفتنی است بنابر اعلام دبیرخانه هیأت نظارت بر مطبوعات، از تعداد ۱۱۹۱۲ «مطبوعات و رسانه» تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۱، ۴۶۴۴ مورد آن، رسانه الکترونیکی است.

از آن‌چه در باب فراوانی و فزونی یافتن رسانه‌های الکترونیکی ذکر آن رفت، ضرورت پرداختن به مقوله با اهمیت «مسئولیت مدنی» این رسانه‌ها بیشتر احساس می‌شود. هم‌چنین بررسی و تعیین حدود مسئولیت هر یک از اشخاص مسئول در رسانه‌های الکترونیکی - با توجه به قوانین و مقررات - امری ضروری و بایسته بوده که این پژوهش، در پی آن است.

هدف کلی این تحقیق، پرداختن به موضوعی است که وارد آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات شده و سابقه‌ای از تحقیق پیرامون آن وجود ندارد. اهداف جزئی تحقیق نیز عبارتند از: ارتقای نظام حقوقی رسانه ایران، پاسخ‌گویی به برخی سؤالات و ابهامات در این زمینه و بهره‌مندی قوه قضائیه، هیأت نظارت بر مطبوعات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از این پژوهش و سودمندی اصحاب رسانه از آن به‌عنوان یک متن حقوقی مرجع است.

این‌که چه اشخاصی و بابت چه مطالبی در رسانه‌های الکترونیکی مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند و به‌عبارت دیگر، چه اعمالی توسط چه اشخاصی در این گونه رسانه‌ها مسئولیت‌آفرین‌اند، پرسش اصلی پژوهش‌گر است. هم‌چنین در حوزه مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی، چه جریان‌های فکری و نظری وجود دارد و نظام حقوقی ایران به کدام نظریه نزدیک است.

فرضیه‌های تحقیق بدین شرح است که در قانون مطبوعات ایران، از صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول (مدیرعامل در خبرگزاریها)، نویسندگان و تهیه‌کنندگان مطالب به‌عنوان مسئولان رسانه‌های الکترونیکی نام برده شده است. هم‌چنین، در باب مطالب قابل پی‌گرد، برای مثال می‌توان به ماده ۳۰ و تبصره‌های ۱ و ۲ آن از قانون مطبوعات اشاره کرد.

پیرامون فرضیه فرعی تحقیق نیز گفتنی است در حقوق ایران قاعده کلی این است که تقصیر مبنای مسئولیت مدنی است (امامی، ۱۳۸۶: ۵۷۳)، (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۲۱) و (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۰۲ و ۳۱۵) و این نظریه توان آن را دارد که مبنای شایسته‌ای برای مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی قرار گیرد تا هم مبنایی خلاف اصل بر نظام حقوقی افزوده نشده و بدین سان بر سردرگمی دادرسان افزوده نگردد و هم با تدابیر حقوقی ثانوی تقصیر (فرض تقصیر و فرض ضرر)، ضرورت‌های اساسی مورد توجه در دیگر مبنای مسئولیت مدنی نظیر جبران کامل زیان، معافیت از اثبات تقصیر در برخی شرایط، معافیت از اثبات ضرر در بعضی مواقع، برآورده گردند. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

۱. کلیات

۱-۱. تعریف مفاهیم کلیدی

۱-۱-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

تعریف و مفهومی که صاحب‌نظران و استادان حقوق ایران از مسئولیت مدنی ارائه داده‌اند نزدیک به هم بوده، در همه آن‌ها، موضوع «جبران خسارت» تکرار شده است. (درویان، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۸-۷۷: ۳) و (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۴) یکی از ایشان در اثر خود می‌نویسد: «مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده و زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد و هدف غائی از آن جبران زیان متضرر از عمل بدون مجوز قانونی است.» (امامی، ۱۳۸۶: ۵۶۳ و ۵۶۵) استاد دیگر در کتاب خود آورده است: «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۳) به گفته وی، در حقوق انگلیس نیز «جبران خسارت» بر سایر هدفهای این رشته حکومت دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۶) و در حقوق اسلام قاعده «لاضرر» پایه و اساس جبران خسارت را تشکیل می‌دهد. (همان: ۱۵۱)

۱-۲. مفهوم رسانه‌های الکترونیکی

در حال حاضر و مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۵ قانون مطبوعات، منظور از مطبوعات و رسانه، کلیه رسانه‌های چاپی (مطبوعات) و الکترونیکی شامل برخط (خبرگزاری و پایگاه‌های خبری) و غیر برخط (انواع حامل‌های داده هم‌چون لوح فشرده) است.

بر مبنای ماده ۳ آن آیین‌نامه: «رسانه الکترونیکی به رسانه‌ای اطلاق می‌شود که:

الف- با همان صورت، شرایط و ظواهر یک رسانه چاپی و طی فرآیند مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره و ردیف معین در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، ورزشی و نظایر اینها در محیط رقومی (دیجیتال) به صورت دوره‌ای مندرج در ماده (۱) این آیین‌نامه منتشر شود.

ب- محتوای آن در محیط رقومی و طی فرآیند مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای، تولید و به طور منظم و با نام ثابت در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شود مانند خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری اینترنتی و رسانه‌های برخط. تولید و انتشار محتوا در این گونه رسانه‌ها به صورت لحظه‌ای و بدون توقف است. (برخط)

پ- به عنوان سامانه، اخبار و اطلاعات را به صورت مستمر برای بیش از (۵۰۰) گیرنده در (۲۴) ساعت از طریق پیامک یا شبکه‌های پیام‌رسان و به صورت انبوه برای دارندگان تلفن همراه، رایانه و مانند آن ارسال کند.»

۱-۲. مبانی نظری مسئولیت مدنی

با مطالعه آثار تعدادی از صاحب‌نظران و استادان حقوق ایران که یا در ضمن مطالب دیگر یا مستقلاً به موضوع مسئولیت مدنی پرداخته‌اند، چنین برداشت می‌شود که برخی مبانی مسئولیت مدنی را در دو نظریه - به طور کلی - و برخی در چهار نظریه و بیشتر مطرح کرده‌اند. صرف نظر از این تفاوت در تعداد، آنچه در همه آن‌ها مشترک است، طرح نظریات «تقصیر» و «خطر» به عنوان مبانی مسئولیت مدنی است. (امامی، ۱۳۸۶: ۵۷۲-۵۷۱)، (کاتوزیان، ۱۳۷۸:

۱۸۲-۱۸۳)، (درویدان، نیمسال دوم تحصیلی ۷۸-۷۷: ۴۳-۲۲)، (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹) و (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۲۳-۳۴۴)

۱-۲-۱. نظریه تقصیر

در نظریه تقصیر، مبنا و یکی از ارکان مسئولیت مدنی، تقصیر است و شخص، در صورت ارتکاب خطا مسئول است. بر این اساس، زیان دیده باید به‌عنوان مدعی، تقصیر زیان‌زننده و رابطه علیت میان تقصیر وی و زیان را ثابت نماید تا خسارت‌های واردشده جبران شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲)

این نظریه به دو گونه «سنتی» و «جدید» است. در نظریه سنتی تقصیر، کسی مسئول شناخته می‌شد که رفتارش از نظر اخلاق قابل سرزنش بود و تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر، مسئولیت وی را به‌جبران زیان توجیه می‌کرد. برای تحقق تقصیر لازم است کار شخص قابل سرزنش و نکوهیده باشد و خطای هر کس جداگانه و با توجه به‌وضع مادی و روحی ویژه او مورد بررسی واقع شود و چه‌بسا هیچ تقصیری از این طریق اثبات یا به‌خواننده نسبت داده نمی‌شد بنابراین بسیاری از زیان‌ها جبران‌نشده باقی می‌ماند. این ایراد، سبب روگردانی از نظریه سنتی تقصیر و جایگزینی نظریه جدید شد.

افزون‌بر اشکالی که ذکر آن رفت، ضرورت جبران زیان ناشی از فعالیت‌های زیان‌بار و پیچیده‌شدن این فعالیت‌ها به‌لحاظ فنی و علمی، عواملی بود که موجب کنار زده شدن نظریه سنتی و ظهور نظریه نوین شد. نکته حائز اهمیت در نظریه اخیر، تحوّل روش‌های احراز و اثبات تقصیر است.

آنچه از آن به‌عنوان نارسایی نظریه تقصیر یاد شد، سبب طرح وسایل تعدیل و متناسب‌کردن دیدگاه مذکور با نیازهای اجتماعی به‌شرح: گسترش مسئولیت‌های اجتماعی (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۶)، استفاده از اماره تقصیر (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳) و (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۷) و تقصیر اجتماعی (همان: ۱۸۸) شد.

۱-۲-۲. نظریه خطر

در نظریه خطر- که از نظر تاریخی بر نظریه تقصیر مقدم است- تقصیر از ارکان مسئولیت مدنی حذف شده، زیان‌دیده از اثبات تقصیر زیان‌زننده معاف است و با احراز رابطه علیت، مسئولیت ایجاد می‌شود.

در این نظریه که معیار و ضابطه، نوعی و اجتماعی است، کسی- قطع نظر از این‌که رفتار وی جایز است یا ممنوع- مسئول است که زیانی به‌دیگری وارد آورده است.

این نظریه که جزء نظریه مسئولیت‌های بدون تقصیر به‌حساب می‌آید بیان می‌دارد که فرد نباید تنها مکافات خطاهای خود را ببیند بلکه باید نتیجه خطرهایی را که به‌وجود آورده است نیز متحمل شود. به‌عبارت دیگر، هر کس به‌فعّالیتی بپردازد و محیط خطرناکی برای دیگران به‌وجود آورد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۳)

شعار طرف‌داران نظریه خطر این بوده که «هر کس سود کاری را می‌برد زیان‌های آن را نیز تحمل کند.» در این دیدگاه آنچه اهمیت دارد درست یا نادرست‌بودن فعل باعث ضرر نیست بلکه انتساب ضرر به‌فعل خواننده است.

مهم‌ترین فایده این نظریه این است که با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی، دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به مقصود می‌رسد و زیان‌دیده از اثبات تقصیر خواننده معاف می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۹ و ۲۰۰)

۲. ارکان و منابع قانونی مسئولیت مدنی مسئولان رسانه‌های الکترونیکی

۲-۱-۱. ارکان مسئولیت مدنی مسئولان رسانه‌های الکترونیکی

۲-۱-۱-۱. ضرر

ضرر- که با تعابیر غرامات (قانون مدنی) زیان (قانون آیین دادرسی... مدنی) و خسارت (قانون مسئولیت مدنی) هم‌کاررفته- یکی از شرایط اساسی تحقق مسئولیت مدنی است.

در فقه، قاعده لا ضرر مبنای مسئولیت مدنی است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۶) و در حقوق اسلام، پایه و اساس جبران خسارت را تشکیل می‌دهد.

استادان حقوق (امامی، ۱۳۸۶: ۵۷۴) و (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۴۲)، ضرر را به‌عنوان نخستین رکن و رکن اصلی مسئولیت مدنی بر شمرده‌اند. به نظر می‌رسد وجود ضرر برای تحقق مسئولیت مدنی امری بدیهی و بی‌نیاز از استدلال بوده، بدین سبب، در قانون مدنی بدان تصریح نشده است لکن در قانون آیین دادرسی... مدنی، ماده ۵۲۰ در خصوص مطالبه خسارت وارده، ورود زیان را یکی از عناصر دعوی مذکور مطرح کرده است.

یکی از اساتید مذکور، با بیان این‌که مفهوم ضرر را همه می‌دانند، در تبیین آن نگاشته است: «هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به‌بار آمده است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۸)

از فقها نیز یکی (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۴) ضرر را- براساس عرف- این‌گونه تعریف کرده است: «الظاهر من لفظ الضرر عرفاً هو النقص فی ماله او عرضه او نفسه او فی شیء من شئونه بعد وجوده او بعد وجود المقتضی القریب له بحیث یراه العرف موجوداً» یعنی «نمایان از واژه ضرر در عرف، آن نقص در مال او یا آبروی او یا جان او یا در جایگاهی از جایگاه‌های او پس از وجود آن یا پس از وجود سبب نزدیک آن، آن‌گونه که ببیند عرف آن را موجود.»

در خصوص مفهوم ضرر، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

افزون‌بر ماده مذکور، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز انواع ضرر را بهر سمیت شناخته شده است هر چند که نظام قضایی ایران در موضوع خسارات مادی و معنوی رسانه‌های الکترونیکی و چگونگی جبران آن از سابقه و تجربه چندانی برخوردار نیست.

۲-۱-۱-۱-۲. انواع ضرر

۲-۱-۱-۱-۱-۲. ضرر مادی

ضرر مادی در رسانه‌های الکترونیکی به دو گونه تحقق می‌یابد:

اول، هنگامی که نفس عمل رسانه مذکور، تعرض به حقوق مادی اشخاص است و دوم، هنگامی که عمل رسانه مزبور، مقدمه، زمینه‌ساز یا سبب وقوع ضرر است.

در باب گونه نخست گفتنی است یکی از مصداق‌های نقض حقوق مادی در رسانه‌ها از جمله رسانه‌های الکترونیکی، نقض حقوق مادی پدیدآورندگان آثار هنری، ادبی و علمی است. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۳۱۴)

بر پایه ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «به مؤلف و مصنف و هنرمند، «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن بکار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.» و ماده ۲ اثرهای مورد حمایت این قانون را در ۱۲ بند شرح داده است.

در موارد ۱۲ گانه مذکور، از رسانه‌های الکترونیکی و حتی مطبوعات و نشریات سخنی به میان نیامده لکن تبصره ۳ ماده ۵ قانون مطبوعات به این امر پرداخته است.

ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حقوق پدیدآورنده را شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی از نام و اثر او عنوان کرده است. «استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.» و «بکاربردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگر» که تعبیر دیگر آنها «حق اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر» است، در بندهای ۶ و ۷ ماده ۵ فوق، از موارد حقوق مادی پدیدآورنده عنوان شده است. در ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نیز برخی حقوق مادی آمده است.

تعرض رسانه‌های الکترونیکی به حقوق پیش‌گفته و نیز تغییر یا تحریف آثار می‌تواند سبب ضرر مادی پدیدآورندگان و به تبع آن، مسئولیت مسئولان این‌گونه رسانه‌ها شود. افزون بر اثر، نام و عنوان و نشانه ویژه آن‌هم مورد حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (ماده ۱۷) است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار جبران ضرر تجاوز به حقوق مادی پدیدآورندگان را مفروض دانسته و به دلیل روشن بودن چگونگی جبران ضرر ناشی از عمل شخص حقیقی، فقط به نحوه جبران ضرر وارده از سوی شخص حقوقی در ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تصریح شده است. مشابه این پیش‌بینی، در ماده ۸ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی آمده است.

گونه دیگر ضرر مادی در رسانه‌های الکترونیکی فرضی است که عمل رسانه مزبور، مقدمه، زمینه‌ساز یا سبب وقوع ضرر شود. توضیح آن‌که ورود ضرر مادی ناشی از تلف مالی به علت تقصیر رسانه الکترونیکی در مقایسه با ضرر شخصی در اثر تقصیر این‌گونه رسانه‌ها از آن‌بابت که از سود مسلم آینده محروم شده، کم‌تر است. به عبارت دیگر، ورود ضررهای مادی مستقیم در اثر فعالیت رسانه‌های الکترونیکی از موارد ضرر به دلیل عدم‌النفع کم‌تر است.

یکی از فعالیت‌های رسانه‌های الکترونیکی که به ضرر مادی مستقیم می‌انجامد، آگهی‌های تبلیغاتی است. به نظر می‌رسد هرگاه انتشار آگهی تبلیغاتی در این‌گونه رسانه‌ها ضرری که به نحو معقولی قابل پیش‌بینی بوده را در پی داشته باشد، زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت را خواستار شود زیرا مخاطب معقولاً از رسانه انتظار دارد که در انتشار آگهی‌های تبلیغاتی، مراقبت‌های لازم صورت گرفته باشد. (همان: ۳۲۵-۳۲۴) لکن در بسیاری موارد ضرر ناشی از فعالیت رسانه‌های الکترونیکی، در قالب عدم‌النفع است بدین معنی که زیان‌دیده ادعا می‌کند که منافع قابل

حصولی داشته که در اثر عمل رسانه مذکور، از آن‌ها محروم شده است. برای مثال هرگاه در یک رسانه الکترونیکی، محصول کارخانه‌ای زیان‌بار یا فاقد شرایط ایمنی یا استاندارد یا فاسد معرفی شده و به مردم هشدار داده شده باشد، خسارت ناشی از عدم‌النفع مطرح می‌شود البته در نظام حقوقی ایران، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی... مدنی، به صراحت اعلام کرده: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست.» ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.» البته تبصره ۲ آن ماده تصریح دارد: «منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید.» و محدود کردن مطالبه منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی که صدق اتلاف نماید، بار اثباتی دشواری را بر زیان‌دیده تحمیل می‌کند. (بزرگهر، ۱۳۹۴: ۴۳) بدین ترتیب در باب قابل مطالبه بودن عدم‌النفع در وضع کنونی، دو نص قانونی وجود دارد که توجه به مفاد و جایگاه بیانی آن‌ها نشان می‌دهد که حکم تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی... مدنی، عام است و حکم ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، خاص. به عبارت آخری، چنانچه عدم‌النفع ناشی از ارتکاب جرم باشد، قابل مطالبه است و اگر ناشی از عمل غیر مجرمانه، غیر قابل مطالبه، که محل ایراد به نظر می‌رسد زیرا و صف عمل زیان‌بار، تأثیری در ماهیت ضرر ایجاد شده ندارد. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۳۲۹-۳۲۸)

۲-۱-۱-۱-۲. ضرر معنوی

مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی‌زند ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیر مالی او است مانند: لطمه به شرافت و شهرت شخصی و خانوادگی، سلب آزادی و فاش ساختن اسرار خصوصی. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

تحمل ضرر در حقوق کنونی منحصر به موردی نیست که شخص، نفع مادی را از دست می‌دهد. انسان در برابر لطمه‌های روحی نیز آسیب‌پذیر است. آسیبی که گاه نمودار نیست ولی از درون به او آزار می‌رساند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۱)

مسئولیت در جبران صدمه‌های اخلاقی و روحی، وسیله حقوقی مناسبی برای حمایت از شخصیت انسان و حقوق مربوط به آن است. به همین جهت امروزه بحث بر سر لزوم جبران ضرر معنوی پایان یافته و اندیشمندان و قانون‌گذاران به اتفاق رسیده‌اند که ضرر معنوی نیز مانند ضرر مادی باید جبران شود. از لحاظ تاریخی، جبران ضررهای وارد بر شخصیت و حرمت اشخاص بیش از ضررهای مادی، مورد توجه بوده و اشخاص در جبران آن‌ها جدی‌تر بوده‌اند.

ضرر معنوی را می‌توان به وسیله‌ای متناسب مانند اعلان رأی و تصدیق رسمی خطای خواننده جبران کرد ولی دشواری در این است که ضررهای عاطفی را نمی‌توان با پول ارزیابی کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۵۶) در مورد ضررهای معنوی، به دلیل نامتناسب بودن ماهیت پول با آنچه از دست رفته است، بازگشت به حال پیشین امکان ندارد ولی باید دانست پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده گاه تمام یا بخشی از ضررهای معنوی را جبران می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۱-۴۲) البته هیچ ضرورتی ندارد که در برابر هر ضرر معنوی، مبلغی پول پرداخت شود. دادرسی باید به تمام مسائل اخلاقی موضوع نیز توجه کند و وسیله مناسب را تمیز دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۵۸-۲۵۶)

در قانون مسئولیت مدنی، لزوم جبران ضرر معنوی به صراحت پیش‌بینی شده و قانون‌گذار و ساینده برای این منظور اندیشیده است که از جنبه مادی آن بکاهد. ظاهر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی بر آن است که زیان‌دیده فقط می‌تواند از کسی که به‌جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتمی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد آورده مطالبه خسارت معنوی کند ولی نمی‌تواند هر کس که از عمل دیگری به‌طور غیر مستقیم ضرر معنوی ببیند آن را از زیان‌زننده بخواهد. (امامی، ۱۳۸۶: ۵۷۹)

متن ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ناظر به زیان‌های وارد به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی (سرمایه معنوی) است و شامل زیان‌های عاطفی و لطمه‌های روحی نیست با این حال، می‌توان گفت هدف اصلی قانون‌گذار، طرح ضرر معنوی به‌عنوان خسارت قابل مطالبه است و نه محدود ساختن آن به کسر حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی. منتها باید افزود که در ماده مذکور، صدور حکم به جبران ضرر معنوی مشروط به این است که «اهمیت زیان و نوع تقصیر» آنرا ایجاد کند. این قید همراه با این‌ا اعلام که «دادگاه می‌تواند» و حکم ماده ۳ همان قانون که طریقه جبران ضرر را در اختیار دادگاه گذارده، چهره اجباری بودن تقویم خسارت به پول را از بین می‌برد و آنرا به‌دادرسی می‌سپارد تا بر مبنای انصاف و عدالت حکم کند و ویژگی‌ها و اوضاع و احوال هر مورد را در نظر بگیرد مضافاً این که حکم به جبران ضرر اجباری است و اختصاص به تقصیر خاص و ضررهای مهم ندارد و مصلحت‌گرایی دادرسی در آن مؤثر نیست. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۶۱-۲۵۹)

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام بیان ضررهای قابل مطالبه اشعار می‌دارد: «شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.» و تبصره ۱ همان ماده، ضرر معنوی را چنین تعریف کرده است: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.» می‌توان گفت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز با آوردن عبارت عام: «هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده» تعریف فوق را کامل کرده است.

باید افزود که گاه حق مورد تجاوز آمیزه‌ای از حقوق مادی و معنوی است مانند حقی که مؤلف بر ابتکارهای خود دارد و حقی که هر کس بر چهره و عکس خود دارد. اگر به‌چنین حقی تجاوز شود، نتیجه آن مخلوطی از ضررهای مادی و معنوی است. به‌عنوان مثال رسانه‌ای که بی‌اذن هنرمند یا ورزشکار معروفی عکس او را به‌منظور تبلیغ کالا یا بیان صحنه‌ای منتشر می‌کند، تجاوز به این حق، هم برای صاحب عکس ضرر معنوی دارد و هم حاوی ضرر مادی او است زیرا می‌توانست با گرفتن مبلغی، اذن انتشار عکس خود را به‌دیگران بدهد. (همان: ۲۶۲)

۲-۱-۲. فعل زیان‌بار

در هر مورد که از کاری به‌دیگران ضرر برسد، مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود بلکه فعل زیان‌بار باید در نظر اجتماع، ناهنجار باشد و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایست بداند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۶)

هرچند ارتکاب تقصیر در نظر قانون یا عرف، ناپسند و شایسته نکوهش است، مفهوم «تقصیر» برای بیان نامشروع بودن کار زیان‌بار کافی نیست. تعبیر «تقصیر» در صورتی درست است که منبع منحصر مسئولیت باشد ولی در نظام‌های حقوقی که مسئولیت بدون تقصیر، هرچند استثنایی، وجود دارد، اشاره به لزوم نامشروع بودن فعل لازم است. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۱۱-۳۱۰)

آنچه در همه تعریف‌ها از «تقصیر» مشترک است و جوهر آن را نشان می‌دهد، «ناصواب بودن» تقصیر است. (همان: ۳۳۶) تعریف مرسوم تقصیر، «کاری است نامشروع که قابل انتساب به مرتکب باشد.» (همان) در این تعریف، برای تقصیر دو عنصر: «نوعی یا نامشروع بودن نفس عمل» و «شخصی یا قابلیت استناد کار به فاعل آن» شناخته شده است که قید «بدون مجوز قانونی» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که از ماده ۴۱ قانون تعهدات سوئیس اقتباس شده، از همین نظریه الهام گرفته است.

تعریف مشهور تقصیر، «تجاوز از تعهدی است که شخص به عهده داشته است.» (همان: ۳۳۹) یکی از صاحب‌نظران حقوق ایران در تعریف تقصیر گفته است: «تجاوز از رفتاری است که انسانی معقول و متعارف در همان شرایط حادثه دارد.» (همان: ۳۴۶) و (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۶۷) و هم‌او گفته است: «برای تمیز تقصیر، معیار رفتار انسانی متعارف در همان شرایط موضوع دعوی است که با رفتار متهم به تقصیر سنجیده می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۷۵) بر این اساس، برای تمیز تقصیر باید کاری که انجام شده را با رفتار انسانی معقول و محتاط مقایسه کرد و معیار تمیز و مفهوم آن (تقصیر)، نوعی (اجتماعی) است و نه شخصی (شخصیت زیان‌زننده) که می‌توان آن را به‌عنوان یک «استاندارد حقوقی» انتخاب و عقل انسانی نوعی را معیار «رفتار معقول» مطرح کرد. لکن باید توجه داشت که این معیار، در عین حال که نوعی است، در شرایط گوناگون تغییر پیدا می‌کند و ثابت نیست بلکه باید دید زیان‌زننده در کدامیک از گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و معیار متناسب با آن گروه (حرفه) را انتخاب کرد (همان: ۳۴۸-۳۴۷) برای مثال، رفتار مدیرمسئول یک رسانه الکترونیکی به‌عنوان یکی از مسئولان رسانه، باید با رفتار مدیرمسئولی محتاط و آگاه سنجیده شود نه با انسانی متعارف.

نظریه تقصیر - به شرحی که گفته آمد - به دو گونه سنتی و نو تقسیم شده که در اولی، تقصیر دارای مفهوم شخصی و در دیگری دارای مفهوم نوعی است. باوجود ظرفیت‌های «نظریه جدید تقصیر» - که آن را پرتطرفدارترین مبنای مسئولیت مدنی ساخته (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۲۵ و ۱۲۷) - لکن گاهی عمل زیان‌بار چنان جنبه فنی و تخصصی پیدا می‌کند که زیان‌دیده از اثبات تقصیر عامل ناتوان است. پس این امر به‌ارائه «نظریه مسئولیت مطلق یا بدون تقصیر» دایر بر عدم توجه اثبات تقصیر به زیان‌دیده و «نظریه فرض تقصیر و مسئولیت» مبنی بر توجه اثبات عدم تقصیر به عامل انجامید. با این تفاوت که در فرض تقصیر، اثبات خلاف این فرض (عدم ارتکاب تقصیر) خواننده را از مسئولیت ناشی از این فرض معاف می‌سازد لکن در فرض مسئولیت، اثبات بی‌تقصیری، خواننده را از مسئولیت بری نمی‌کند بلکه وی باید اثبات کند که ورود ضرر منتسب به عامل خارجی بوده است. در مواردی که فرض تقصیر شده است، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر عامل فعل زیان‌بار ندارد بلکه باید رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و زیان وارده را اثبات کند.

در کنار «فرض تقصیر»، «فرض زیان یا زیان مفروض» نیز در راستای حمایت از زیان‌دیده مطرح شده است. در تبیین فرض اخیر گفته می‌شود علی‌الاصول در هر دعوی مدنی، بر مبنای قاعده فقهی - حقوقی «البینه علی المدعی»، اثبات امر به‌عهده خواهان یا به‌تعبیر دیگر مدعی است ولی در مواردی قانون‌گذار این تکلیف را از دوش وی بر

می‌دارد و ورود ضرر را مفروض می‌انگارد. به بیان دیگر، در اعمالی که غلبه ورود ضرر بر اثر آن بسیار زیاد است، زیان دیده حتی از اثبات ورود ضرر به خود هم معاف است البته امکان اثبات خلاف چنین فرضی برای خواننده وجود دارد مثلاً در مورد نسبت ناروایی که در یک رسانه الکترونیکی به شخصی معروف داده شده، ورود زیان به او مفروض است هر چند که وی نتواند تک تک اجزا و عناصر این امر را اثبات کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

۲-۱-۲-۱. تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه‌ای

یکی از چهره‌های خاص تقصیر، تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه‌ای است. منظور از این تقصیر، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است مرتکب می‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۴)

امروزه فعالیت رسانه‌های از جمله رسانه‌های الکترونیکی هم چون برخی مشاغل، تخصصی و علمی شده و جنبه حرفه‌ای به خود گرفته است. از این رو از شخصی که با مفاهیم علمی و قواعد فنی ویژه آشناست و به آنها خو گرفته است نمی‌توان انتظار داشت که در واکنش‌های خود مانند مردم عادی باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۶۶) بر این اساس، ضوابط مسئولیت مدنی این گونه مشاغل - که کنشگران‌اش از فنون و مهارت‌های ویژه‌ای برخوردارند - متفاوت از دیگر مشاغل است به نحوی که بایسته است تقصیر مسئولان آن با معیاری خاص سنجیده شود و نمی‌توان رفتار انسان متعارفی را که ضابطه سنجش تقصیر در موارد عادی است، پذیرفت.

از سوی دیگر در این گونه مشاغل یک سری قواعد و ضوابط عرفی یا قانونی وجود دارد که «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار» نامیده می‌شود. تأثیری که این اصول و استانداردهای رفتار در قلمرو مسئولیت مدنی دارند، بر مفهوم مبنای مسئولیت و به ویژه تقصیر است. توضیح آن که با نقض هر یک از این اصول، مسئولیت خود به خود محقق و نقض هر یک از این اصول و قواعد رفتاری تقصیر محسوب می‌شود و از این نظر مبنای مسئولیت قرار می‌گیرد. پس هر عملی که به نقض این اصول و قواعد استاندارد بیانجامد از نظر حقوقی نیز تقصیر محسوب می‌شود.

در دوران کنونی، فعالیت رسانه‌ها از جمله رسانه‌های الکترونیکی در جوامع مختلف شکل صنفی و حرفه‌ای به خود گرفته است و اصول و قواعد رفتاری استاندارد در موضوعات روزنامه‌نگاری و خبرنگاری در جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و بازرگانی، رقابتی، اطلاع‌رسانی و غیره تدوین شده است.

در ایران، اصول و قواعد مصوب و مستند جامع و مانعی در این زمینه وجود ندارد لکن شاید بتوان موارد زیر را به عنوان نمونه‌هایی از قواعد و اصول رفتاری حاکم بر فعالیت رسانه‌های الکترونیکی مطرح کرد:

الف- به ترتیب، بندهای ۶، ۸، ۹ و ۱۱ ماده ۶ و ماده ۳۰ قانون مطبوعات (حدود رسانه‌های الکترونیکی).

ب- به ترتیب، بندهای (الف) و (پ) ماده ۱۴، ماده ۱۶ و بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۷ آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (حدود فعالیت خبرنگار).

ج- به ترتیب، ماده ۱۹ قانون مطبوعات و بندهای (پ)، (ت)، (ج) و (ح) ماده ۱۲ آیین‌نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی و تبلیغاتی (حدود انتشار آگهی‌های تجارتي در رسانه‌های الکترونیکی).

افزون بر موارد اخیر الذکر، «اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری» (شکرخواه، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۸۷) در گستره بین‌المللی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار» طرح کرد.

مهم‌ترین مصادیق تقصیر در قلمرو رسانه‌ها از جمله رسانه‌های الکترونیکی، زیان‌زدن به شهرت حرفه‌ای یا اعتبار یا شخصیت خانوادگی دیگری از طریق انتساب یک موضوع دروغ یا موهن به آن شخص و در نتیجه کسر حیثیت، احترام، اعتبار یا از بین بردن اعتماد دیگران به او با تهییج احساسات یا عقاید مخالف، موهن یا ناخوشایند علیه او است. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۵۸) همچنین نقض حریم خصوصی، توهین، اهانت و هتاک، افترا به مقامات، نشر اکاذیب، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در رسانه‌ها، انتشار تصویر متهم و متوفای مجهول‌الهویه، انتشار حکم محکومیت و برائت، تبلیغات بازرگانی، تبلیغات سیاسی و تبلیغات دارویی و امور پزشکی.

۲-۱-۳. رابطه سببیت

رکن اساسی مسئولیت مدنی، وجود رابطه بین فعل بدون مجوز قانونی مرتکب و ضرر وارده به زیان‌دیده است در غیر این صورت، مرتکب را نمی‌توان مسئول خسارت زیان‌دیده دانست. زیان‌دیده باید افزون بر ارتکاب فعل زیان‌بار و ورود ضرر به خود، ثابت کند که علت (سبب) ضرر به وی، فعل زیان‌بار بدون مجوز قانونی مرتکب بوده است. (امامی، ۱۳۸۶: ۵۹۸)

برای این که امری سبب محسوب شود، باید آن امر در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد بدین معنی که احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شود.

در تعریف سبب گفته شده: «سبب عاملی است که هم در ایجاد فعل زیان‌بار دخالت دارد و هم شرط ضروری آن است مگر این که اهمیت دخالت آن در ایجاد فعل زیان‌بار چندان قوی و مهم باشد که بتوان گفت به تنهایی و قطع نظر از سایر عوامل، ضرر را ایجاد کرده است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۵۱)

اثبات رابطه علیت (رابطه علت و معلولی بین فعل خواننده و ورود ضرر) با زیان‌دیده (خواهان) است لکن گاهی خواننده دعوی مطالبه خسارت نگزیر از اثبات عدم دخالت خود و ارائه دلیل است. احراز این رابطه زمانی دشوار به نظر می‌رسد که اجمالاً معلوم است که یکی از چند علت مشمول گروهی معین و محدود، عامل ضرر است لکن نمی‌توان قاطعانه آن را مشخص کرد. برای مثال، در موضوع این مقاله که مسئولیت مدنی مسئولان رسانه‌های الکترونیکی است، در صورت ورود ضرر به سبب درج مطلبی در یکی از رسانه‌های پیش‌گفته، علت، کدام یک از مسئولان رسانه است؟ صاحب‌امتیاز و یا مدیرمسئول و یا نویسنده؟ بنابر نظری، هر یک از افرادی که تحت عناوین مختلف، فعالیت رسانه‌ای می‌کنند به نسبت اختیارات خویش مسئول‌اند و مسئولیت تضامنی افرادی که در فعل زیان‌بار دخالت داشته‌اند، عقلانی و متناسب با هدف مسئولیت مدنی است (روشن و خلیل‌زاده، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۱۲۶) البته با توجه به این که تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، مسئولیت صاحب‌امتیاز را صرفاً «در قبال خط‌مشی کلی نشریه» مطرح کرده و در همان تبصره و تبصره ۷ آن ماده، «مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود.» و «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیرمسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.» بتوان گفت: تکرار و تأکید بر مسئولیت مدیرمسئول، از دشواری پیش‌گفته می‌کاهد مضافاً این که آخرین رکن جرم که رکن مادی است و در فعالیت رسانه‌های الکترونیکی، انتشار مطلب است، با تأیید مدیرمسئول انجام و به تعبیر دیگر می‌توان گفت جرم وسیله وی تکمیل می‌شود.

در تبیین مطلب بالا بیان می شود از میان صاحب امتیاز، مدیر مسئول و نویسنده، چون در قانون مطبوعات تصریح شده، صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است، نام برده بتواند با تمسک به این امر از خود رفع مسئولیت کند و مسئولیت را به عهده دیگران به خصوص مدیر مسئول بیاندازد لکن استناد به مالکیت وی نسبت به رسانه و شرایط اقتصادی مساعدتری که احیاناً در نتیجه مالکیت رسانه به دست آورده و نیز جایگاه اش به عنوان کارفرما می تواند پاسخی به احتجاج فوق باشد. البته با توجه به ضعف شدید اقتصاد رسانه در ایران که بدون حمایت دولتی و پرداخت یارانه، امکان تداوم فعالیت های فرهنگی و از آن جمله رسانه های الکترونیکی وجود ندارد، به تکلیف قانونی بیمه کارکنان در مقابل خسارت به اشخاص ثالث عمل نمی شود.

در مواردی که اسباب گوناگون در ورود ضرر مؤثر به نظر می رسد مانند آن که در بحث مسئولیت مدنی مسئولان رسانه های الکترونیکی، نویسنده که مطلب را به نگارش در آورده، یکی از اسباب ورود ضرر به حساب می آید و مدیر مسئول که مطلب را برای انتشار تأیید کرده، یکی از اسباب مذکور محسوب می شود. برای ایجاد مسئولیت مدنی لازم نیست که فعل مسئول، علت منحصر ورود ضرر باشد و هیچ عامل دیگری در آن دخالت نداشته باشد بلکه سبب باید در نظر عرف یا به حکم منطقی در ورود ضرر تأثیر داشته باشد به نحوی که بتوان گفت عامل ایجاد سبب، ضرر را وارد کرده است. آنچه در مقوله رابطه علیت حائز اهمیت است این است که شخصی مسئول قرار گیرد که بین فعل او و ضرر، رابطه سببیت عرفی و معقول وجود داشته باشد که بتوان گفت بین آن دو ملازمه عرفی هست. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۸۶) در این صورت، عامل فعل زیان بار باید مسئول شناخته شود و هیچ ضرورتی ندارد که دادرسی همه عوامل مؤثر در ایجاد حادثه را بسنجد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۸۰)

۲-۲. منابع قانونی مسئولیت مدنی مسئولان رسانه های الکترونیکی

۲-۲-۱. قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصطلاح «مسئولیت مدنی» به صراحت بکار نرفته است. با این وجود، اصول بیست و دوم و چهارم، به بیان حقوقی پرداخته که مورد حمایت قرار گرفته اند و تجاوز به آنها مسئولیت مدنی متجاوز را به دنبال دارد.

مصونیت حقوق بر شمرده شده در اصل بیست و دوم به معنای ناروا و مسئولیت آوردن تعدی و تجاوز به هر یک از آنهاست چه این امر را حکومت صورت دهد و چه مردم و چه نهادهایی هم چون رسانه های الکترونیکی.

اصل چهارم نیز اضرار به دیگری را حتی در صورتی که در مقام اعمال حق مشروعی هم چون آزادی بیان و اطلاع رسانی و آگاهی بخشی باشد ممنوع دانسته است که یکی از نتایج این ممنوعیت، پیدایش «مسئولیت مدنی» اعمال کننده حق از یک سو و حدود بهره مندی از حقوق مشروع اشخاص و رسانه های الکترونیکی از سوی دیگر است.

تعبیر «رسانه های الکترونیکی» در قانون اساسی به چشم نمی خورد با این حال در اصول سوم، پانزدهم، یک صد و شصت و هشتم و بیست و چهارم، از «مطبوعات» و «نشریات» سخن به میان آمده است.

اصل بیست و چهارم قانون اساسی، مهم ترین مقرره در خصوص رسانه در نظام حقوقی ایران است. در باب این اصل گفتنی است «حق آزادی بیان مطالب» در آن مورد تصریح قرار گرفته که با توجه به اهمیت و جایگاه این حق در

فعالیت رسانه‌های الکترونیکی، مسأله درخور اعتنائی است. در عین حال حدود بهره‌گیری از این حق عبارت است از عدم اخلال «به مبانی اسلام» و «حقوق عمومی». تعیین معنای دقیق هر یک از این دو، خاصه «حقوق عمومی» در تبیین گستره فعالیت رسانه‌های الکترونیکی، امری گریزناپذیر است. بدیهی است اضرار به غیر، یکی از مصادیق «اخلال به حقوق عمومی» است که ممنوعیت آن در رسانه‌های الکترونیکی، از این اصل برداشت می‌شود.

۲-۲-۲. قانون مطبوعات

مسئولیت مدنی در قانون مطبوعات - به نسبت مسئولیت کیفری - کم‌رنگ به نظر می‌رسد. از تعداد ۲۲ مورد حدود مطبوعات پیش‌بینی شده در قانون، چنین به نظر می‌رسد که ۲۱ مورد آن - جز بند (الف) ماده ۷ قانون - مصادق جرم مطبوعاتی است.

از جمله مواد قانون مطبوعات که در احراز «تقصیر» باید مورد توجه قرار گیرد ماده ۱۹ است و به‌طور مشخص تنها در ماده ۲۳ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۳۰ قانون مزبور، «وظیفه انتشار پاسخ»، «مطالبه خسارت» و «اقامه دعوی از نظر حقوقی» - به مثابه چند نمود مسئولیت مدنی - به چشم می‌خورد.

۲-۲-۳. قانون مدنی

در قانون مدنی هم اصطلاح «مسئولیت مدنی» بکارنرفته و مقررات مفصلی وجود ندارد. چند ماده‌ای در ضمان قهری یا خسارت عدم انجام تعهد وجود دارد که تنها جزء ناچیزی از مسائل مربوط به «مسئولیت» را پیش‌بینی کرده و می‌توان گفت قانون‌گذار تحت عنوان «ضمان قهری» بدین امر پرداخته است.

در مبحث تسبیب، در ماده ۳۳۳ قانون مدنی «از عدم مواظبت» و در مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ «تقصیر» بکار رفته است. در مواد ۳۳۳ تا ۳۳۵ قانون مدنی، مسئولیت شخص در جبران خسارت، منوط به «تقصیر» او است.

ماده ۹۵۳ قانون یاد شده تقصیر را تعریف نکرده و به‌ذکر «اعم است از تفریط و تعدی» بسنده شده است. تعدی، مطابق ماده ۹۵۱ «تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری». و تفریط، وفق ماده ۹۵۲ «عبارت است از ترک عملی که بموجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

۲-۲-۴. قانون مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی، مقرره‌ای است که در نظام حقوقی ایران به‌مسئولیت مدنی اختصاص داشته، مهم‌ترین قانون در این موضوع است.

از مواد ۱۶ گانه این قانون، ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ را می‌توان مرتبط با مقوله مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی دانست. از آن میان، به نظر می‌رسد ماده ۸ نزدیک‌ترین ماده به موضوع مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی است.

پس از ماده ۸، ماده ۱۰- که در آن سخن از «لطمه به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی» به میان آمده- را باید نزدیک به امر مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی مطرح کرد. در ماده ۴ قانون پیش‌بینی شده، دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در مواردی تخفیف دهد که به نظر می‌رسد از بین ۳ مورد مطرح شده، بند ۱ در فعالیت رسانه‌های الکترونیکی امکان‌پذیر است و در نهایت، مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ به شناسایی مسئول جبران خسارات، بیمه و چگونگی مسئولیت پرداخته‌اند.

۲-۲-۵. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان از مهم‌ترین قوانین در باب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی است زیرا کارکرد و چگونگی فعالیت این رسانه‌ها از نظر محتوا در ارتباطی تنگاتنگ با آثار مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است.

به موجب مواد ۳، ۴ و ۵ قانون اخیرالذکر: «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.»، «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.» و «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد... بغير واگذار کند».

خلاصه آن‌که مواد ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ و موضوعات مطرح شده در این قانون، در تعیین افعال زیان‌بار، انواع ضرر و چگونگی جبران آن‌ها در فعالیت رسانه‌های الکترونیکی درخور توجه است.

۲-۲-۶. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی با توجه به استفاده رسانه‌های الکترونیکی از ترجمه‌ها، کتاب‌ها، نشریات و آثار صوتی حائز اهمیت است.

در مواد ۱ و ۲ این قانون آمده است: «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم و یا وارث قانونی او است.» و «تکثیر... نشریات بهمان زبان و شکلی که چاپ شده بقصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است.»

در مجموع این قانون، به لحاظ احصای حقوق پدیدآورندگان آثار مذکور و حمایت‌هایی که از این حقوق به عمل آورده، در زمینه تعیین مصادیق تقصیر و نحوه جبران خسارات و... می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۲-۲-۷. آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات

آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات را می‌توان مهم‌ترین مقرره در باب رسانه‌های الکترونیکی دانست. از جمله مواد این آیین‌نامه که در تعیین مصادیق تقصیر حائز اهمیت است، مواد ۸ و ۹ است که مطابق آن: «ترجمه تمام یا قسمتی از مطالب اختصاصی رسانه‌های داخلی دارای پروانه و انتشار آن به صورت نشریه مستقل بدون اخذ موافقت آن رسانه ممنوع است.» و «تکثیر رسانه‌های موجود از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب پروانه ممنوع است.»

۲-۲-۸. آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران

این آیین‌نامه که در سال ۱۳۵۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده، مشتمل بر پنج فصل است و فصل چهارم آن «وظایف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران» عنوان دارد که در تعیین مصادیق تقصیر حرفه‌ای مؤثر است.

۳-۲. مسئولان رسانه‌های الکترونیکی و مسئولیت آنان

در قانون مطبوعات، صرفاً عناوین «صاحب‌امتیاز»، «مدیرمسئول» (در خبرگزاریها؛ مدیرعامل) و «نویسنده» (در خبرگزاریها؛ نویسندگان و تهیه‌کنندگان مطالب) وجود دارد.

۱-۳-۲. صاحب‌امتیاز و مسئولیت‌های آن

به موجب بندهای (الف) و (ب) ماده ۹ قانون مطبوعات شخص حقیقی یا حقوقی است که مستند به تبصره ۴ همان ماده، درقبال خطّ مشی کلی نشریه مسئول است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبق ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، برای آن پروانه انتشار صادر می‌کند.

شاید در نگاه نخست چنین به نظر رسد که صاحب‌امتیاز صرفاً مستند به صدر تبصره ۴ ماده ۹ قانون، درقبال خطّ مشی کلی نشریه مسئول است و دیگر مسئولیت‌ها آن‌گونه که از عنوان مدیرمسئول نیز برمی‌آید جملگی به استناد تبصره‌های ۴ و ۷ آن ماده، برعهده مدیرمسئول است درحالی‌که با دقت نظر در متن قانون یاد شده (مواد ۱۴، ۱۶ و ۴۶) و آیین‌نامه اجرایی آن (تبصره ماده ۲۶ و ماده ۲۹) مشاهده می‌شود تکالیف دیگری هم متوجه صاحب‌امتیاز است.

۲-۳-۲. مدیرمسئول و مسئولیت‌های او

به استناد تبصره‌های ۴ و ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات، مدیرمسئول شخصی حقیقی است که مسئولیت مقالات و یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ میرسد و دیگر امور در رابطه با نشریه بعهد او خواهد بود و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به موجب ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی مرقوم، برای وی کارت مدیرمسئولی صادر می‌کند.

افزون بر آنچه ذکر آن رفت، در چهار جای قانون (مواد ۲۱ و ۴۶) و آیین‌نامه اجرایی آن (مواد ۲۸ و ۳۱)، تکالیف دیگری متوجه مدیرمسئول است.

۳-۳-۲. نویسنده و مسئولیت‌های او

در قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن، با وجود آن‌که سه بار در تبصره ۴ ماده ۱، تبصره ۷ ماده ۹ و ماده ۲۷ قانون، سخن از نویسنده به میان آمده لکن تعریفی نشده است. تنها تعریف مستند موجود، ماده ۱ آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران است.

مسئولیت کیفری نویسنده- در آرای دادگاه مطبوعات- کم‌تر به چشم می‌خورد. در یکی از آن‌ها (بتاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ پرونده کلاسه: ۷۳/۷۶/۹۲ شماره دادنامه: ۱۶۶ مرجع رسیدگی: شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران)، نویسنده- افزون بر مدیرمسئول- به تحمل حبس تعزیری، محکوم شده است.

۴-۳-۲. سردبیر و مسئولیت‌های او

خلاف تصور بسیاری، در قانون مطبوعات و نیز آیین‌نامه اجرایی آن و... نامی از «سردبیر» برده نشده درحالی که در لایحه قانونی مطبوعات- که نخستین مقررۀ مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مصوبه پیش از قانون فعلی مطبوعات است- چند بار (تبصره ماده ۵، ماده ۱۲ و ماده ۲۶) از «سردبیر» سخن به میان آمده است.

شاید بتوان «سردبیر» را یکی از مصادیق قسمت اخیر تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات دانست.

درحال حاضر، در بند (ج) ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی «اشتغال به عنوان مدیرمسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی» یکی از حقوق اجتماعی موضوع این قانون برشمرده شده است.

در یکی دیگر از آرای دادگاه مطبوعات (به تاریخ: ۹۴/۳/۶ پرونده کلاسه: ۲۳۰/۷۶/۹۳ شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۵۴۰۰۰۴۳ مرجع رسیدگی شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران)، دادرسی با این استدلال که مطابق قانون مطبوعات مسئولیت انتشار مطالب در نشریه با مدیرمسئول است، اتهامی را متوجه سردبیر ندانسته، رأی بر براءة سردبیر صادر کرده است. (محبی، ۱۳۹۶: ۴۳۶)

۲-۳-۵. خبرنگار و مسئولیت‌های او

در قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن از خبرنگار، خبری نیست لکن آئین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران به خبرنگار نیز پرداخته است.

در ماده ۲ این مقررۀ خبرنگار چنین تعریف شده: «خبرنگار نماینده روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا مؤسسه‌ای است که به موجب پروانه صادره از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی [وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی] به این سمت شناخته شده است.»

آن‌گونه که در ماده ۱۴ آیین‌نامه تصریح شده: «خبرنگار مکلف است:

الف- اطلاعات صحیح در اختیار مؤسسه خود قرار دهد.

ب- هنگام شرکت در مراسم، پروانه خبرنگاری خود را همراه داشته باشد.

پ- در پیرامون رشته خود که در پروانه خبرنگاری منعکس است فعالیت کند.»

مستند به ماده ۱۵ آیین‌نامه مزبور: «نقل و نشر اخبار از مقامات انتظامی و نظامی و عکسبرداری از مؤسسات نظامی و مکان‌هایی که با امنیت عمومی ارتباط دارد، بدون تحصیل اجازه قبلی از مقامات مربوط ممنوع است.» هم‌چنین برطبق ماده ۱۶ آیین‌نامه: «خبرنگار باید در مصاحبه‌هایی که به عمل می‌آورد و نیز در نقل و قول مقامات رسمی رعایت امانت را بنماید و از تحریف مطالب ممنوع است.»

در ماده ۱۷ آیین‌نامه نیز پیش‌بینی شده: «وزارت اطلاعات و جهانگردی می‌تواند پروانه‌های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگارانی را که مرتکب یکی از تخلفات مشروحه زیر بشوند، پس از رسیدگی برای بار اول به مدت سه ماه و بار دوم شش ماه و در صورت تکرار برای همیشه لغو نماید:

الف- تهیه مطالب دروغ و تنظیم خبرهای نادرست با علم به نادرستی آنها و مواردی که به موجب قانون مجازات عمومی نشر اکاذیب تلقی شود.

ب- افشای مسائلی که با حیثیت و عفت خانوادگی اشخاص منافات دارد.

پ- انتشار هر مطلبی که برخلاف قانون مطبوعات باشد.»

۲-۳-۶. روزنامه‌نگار و مسئولیت‌های او

روزنامه‌نگار در مقررات مطبوعات وجود ندارد تا بتوان برای وی مسئولیت برشمرد. شاید عنوان نزدیک بدان در قانون مطبوعات و آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران، «نویسنده» و «نویسنده مطبوعاتی» باشد.

در جزء ۲ بند «حوزه‌های تأثیر» سند توسعه مطبوعات- بدون آن‌که تعریفی از آن ارائه شود- مصادیق «روزنامه‌نگاران» چنین ذکر شده است: «این حوزه، تمامی خبرنگاران، گزارشگران، مصاحبه‌گران، مقاله‌نویسان، طنزنویسان، ویراستاران، ایده‌پردازان، طراحان و کاریکاتوریست‌ها، عکاسان، دبیران هنری و مدیران تحریریه‌های مطبوعات و خبرگزاری‌ها و سامانه‌های خبری اینترنتی، در رده‌های خبرنگار کارآموز، خبرنگار، دبیر سرویس، ویراستار، معاون سردبیر و سردبیر را شامل می‌شود.»

۲-۳-۷. سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند و مسئولیت آنان

به استناد تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به‌عهده مدیرمسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.»

در بزه موضوع ماده ۲۷ قانون مذکور، از «مدیرمسئول و نویسنده مطلب» سخن به‌میان آمده که «به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.» در جرائم موضوع ماده ۳۰ و ماده ۳۱ قانون مزبور، صرفاً به «مدیرمسئول» تصریح شده که «جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی میگردد» و «به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.»

خلاف موارد پیش‌گفته، مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹ و بندهای (الف) و (ب) ماده ۳۳ قانون مطبوعات، مسئولیت را- افزون بر مدیرمسئول و نویسنده- با استفاده از کلمات «اشخاصی»، «هرکس» و «مرتکب»، به‌دیگران نیز تسری داده و شاید بتوان- با یک تفسیر منطقی- گفت منظور از عبارت «سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند» در تبصره ۷ صدرالذکر، آن‌است که در مواد مذکور پیش‌بینی شده است.

۲-۴. نحوه جبران خسارت

پیش‌بینی مسئولیت مدنی برای اصحاب رسانه‌ها و الزام آن‌ها به جبران خسارت‌های احتمالی که ممکن است به‌دیگران وارد کنند، می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی عادلانه برای تبیین ملازمه میان حقوق و تکالیف اصحاب رسانه‌های همگانی و علاوه بر آن مجوزی برای ادامه فعالیت آن‌ها تلقی شود. (روشن و خلیل‌زاده، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۱۱۰)

قانون مسئولیت مدنی، به‌عنوان مهم‌ترین مستند قانونی در این باب، در ماده ۱، به‌مسئولیت جبران خسارت ناشی از عمل واردکننده لطمه به‌جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به‌هر حق دیگر که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده و انواع ضرر (مادی یا معنوی) تصریح دارد. افزون بر ماده فوق، در ماده ۲ نیز، هر دو خسارت مادی و معنوی اصطلاحاً به‌رسمیت شناخته شده‌اند. براساس ماده اخیر، عمل واردکننده زیان، گاهی

موجب خسارات مادی و معنوی زیان دیده می شود که در این صورت دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، واردکننده را به جبران خسارت های مزبور محکوم می کند و اگر عمل واردکننده زیان، موجب یکی از آن دو شود، به جبران همان نوع خسارت (مادی یا معنوی) محکوم خواهد شد.

ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، اختیار تعیین میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را باتوجه به اوضاع و احوال قضیه، به دادگاه واگذار کرده و بر این مبنا می توان گفت خواهان دعوی مسئولیت مدنی - خلاف دادرسی - در انتخاب نحوه جبران خسارت با محدودیت مواجه است.

جبران خسارت با شیوه های مختلفی صورت می گیرد که این شیوه ها به دو دسته کلی «جبران عینی» و «جبران معادلی» (پولی) دسته بندی می شوند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۱۱)

برای جبران خسارت مادی، پرداخت پول به عنوان شیوه مالی، مهم ترین ابزار است با این حال، به کاربردن شیوه های غیر مالی نیز امکان پذیر است. در این جنبه از خسارت که با پرداخت پول کاملاً قابل جبران است، قاضی می تواند در تعیین میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن، از ظرفیت قانونی رجوع به کارشناس - موضوع مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی - بهره برد. خلاف خسارت معنوی، که مهم ترین مشکل در جبران آن، شیوه ارزیابی و ترمیم است و از راه پرداخت پول، امکان جبران کامل آن وجود ندارد.

در حقوق ما با آن که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱، ۲، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، به جبران خسارت معنوی تصریح شده، در رویه قضایی، تقویم خسارت معنوی به پول معمول نبوده، هم چنان در مقوله خسارت معنوی، شیوه جبران غیر مالی مرسوم است در حالی که گاهی پرداخت پول می تواند موجب خرسندسازی زیان دیده - که یکی از اهداف جبران خسارت است - شود. البته باید تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و ماده ۱۴ آن را حرکتی روبه جلو در باب «خسارت معنوی» به حساب آورد زیرا قانون گذار با وضع این قانون، نقیصه مسکوت گذاردن جبران خسارت معنوی در قانون پیشین را برطرف کرد.

حقّ پاسخ، حقّ تصحیح، عذرخواهی و انتشار حکم محکومیت در رسانه ها، مهم ترین شیوه های جبران عینی هستند. (انصاری، پاییز و زمستان ۱۳۹۱: ۱۹)

۲-۴-۱. تصحیح یا عذرخواهی

در موضوع فعالیت رسانه های الکترونیکی، یکی از شیوه های جبران غیر مالی، تصحیح یا عذرخواهی رسانه های مرقوم است. در این راستا بند ۱ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به این امر نزدیک می آید آن جا که قانون پیش بینی کرده هرگاه پس از وقوع خسارت، واردکننده به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد که در این مورد، دادگاه می تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.

در ماده ۱۰ آن قانون هم «الزام به عذرخواهی» به عنوان یکی از طرق رفع زیان آمده و آن وقتی است که کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شده می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی نماید. فی المثل، کسی که در رسانه ای به دیگری نسبت ناروا می دهد، دادن پول وسیله ای است معادل تا رفع ضرر از

زیان دیده شود ولی الزام به‌عذرخواهی و تکذیب نوشته افتراآمیز وسیله‌ای است تا موقعیت زیان‌بار را از بین‌برد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۶۲)

اشکالی که شاید بر این مقررّه وارد آید این است که مقنّن اختیار دادگاه در الزام به‌عذرخواهی رسانه را «به‌اهمیت زیان و نوع تقصیر» منوط کرده است آن‌هم در صورت صدور حکم به‌خسارت مالی. به‌اشکال اخیر می‌توان چنین پاسخ داد که لازم نیست دادگاه در صورت صدور حکم به‌خسارت مالی، حکم الزام به‌عذرخواهی رسانه را صادر کند بلکه دادرسی رأیاً یا به‌درخواست خواهان می‌تواند بر مبنای ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، «الزام به‌عذرخواهی رسانه» را به‌عنوان طریقه مستقل جبران زیان، مورد حکم قرار دهد.

با وجود ایرادی که مطرح شد، می‌توان پیش‌بینی «الزام به‌عذرخواهی» و طرق دیگر در ماده مذکور و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری را نشان‌دهنده جایگاه والای «حیثیت و اعتبارات شخصی، خانوادگی یا اجتماعی» افراد و در یک‌کلام «خسارت معنوی» نزد قانون‌گذار دانست.

در فرضی که رسانه الکترونیکی متعاقب درج و انتشار مطلبی خلاف واقع، اقدام به‌تصحیح یا عذرخواهی می‌کند، این عمل هرچند خسارات قبلی را جبران نمی‌کند لکن می‌تواند از ورود ضرر بعدی جلوگیری کند. در مواقعی، این کار سبب تسکین خاطر خواهان می‌شود و شاید وی را از طرح دعوی علیه رسانه‌های موصوف منصرف سازد.

در مقررات مطبوعات (قانون و آیین‌نامه آن) از تصحیح و عذرخواهی سخنی به‌میان نیامده و تأسیس نزدیک به‌این‌امر، همان است که در ماده ۲۳ قانون مذکور آمده است.

۲-۴-۲. درج حکم محکومیت

درج حکم محکومیت رسانه الکترونیکی نیز از شیوه‌های غیر مالی جبران خسارت در نظام حقوقی ایران است.

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، آن‌را افزون‌بر صدور حکم به‌جبران خسارت مالی، از طرق رفع زیان آورده‌اند البته آن‌گونه که درخصوص «الزام به‌عذرخواهی» ذکر آن رفت، دادگاه می‌تواند براساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی رأیاً یا به‌تقاضای خواهان، «درج حکم در جراید و امثال آن» را مستقلاً به‌مثابه طریقه جبران خسارت، مورد حکم قرار دهد. مشابه این تأسیس در ماده ۲۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به‌چشم می‌خورد.

در قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ «انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها» و «انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها» به‌عنوان کیفر پیش‌بینی شده است. بر مبنای ماده ۱۹، مجازات‌های تعزیری به‌هشت درجه تقسیم می‌شود که «انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها» در درجه ۶ جای می‌گیرد. هم‌چنین حسب ماده ۲۰ «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، باتوجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود: ... چ- انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها.»

۲-۴-۳. جمع‌آوری اثر زیان‌بار و جلوگیری از انتشار مطلب متضمّن خسارت

پیش‌تر گفته شد در فرضی که رسانه الکترونیکی متعاقب درج و انتشار مطلبی خلاف واقع، اقدام به‌تصحیح یا عذرخواهی می‌کند، این عمل هرچند خسارات قبلی را جبران نمی‌کند لکن می‌تواند از ورود ضرر بعدی جلوگیری

کند. چنین به نظر می‌رسد که امر مذکور به جمع‌آوری اثر زیان‌بار خاصه در رسانه‌های الکترونیکی غیر برخط هم‌چون لوح فشرده و نیز جلوگیری از انتشار مطلب متضمن خسارت، نزدیک است و این اقدامات هرچند خسارات پیشین را جبران نمی‌کند لکن می‌تواند ورود ضرر پسین را مانع شود و از این رهگذر، موجبات رضایت زیان‌دیده را فراهم کند. در قانون مسئولیت مدنی از اعمال مزبور سخنی به میان نیامده لکن می‌توان آن‌ها را از طرق جبران و رفع زیان مندرج در مواد ۳ و ۱۰ آن قانون محسوب کرد. مضافاً این‌که در صورت اقدام رسانه الکترونیکی به جمع‌آوری اثر زیان‌بار و جلوگیری از انتشار مطلب متضمن خسارت، می‌توان آن‌ها را مصداق بند ۱ ماده ۴ قانون مرقوم - که از بند اول ماده ۴۴ قانون تعهدات سوییس گرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۷۵) - دانست.

در سه جای قانون مطبوعات، امکان «جلوگیری از انتشار نشریه» پیش‌بینی شده که از سوی مرجع قضایی (دادسرا) اعمال می‌شود:

این نحوه جبران خسارت، در ماده ۲۹ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و ماده ۹ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نیز سابقه دارد.

۲-۴-۴. توقیف موقت

توقیف موقت رسانه الکترونیکی نیز می‌تواند از تداوم ایراد لطمه به زیان‌دیده جلوگیری به عمل آورد و از این جهت می‌توان آن را یکی از راه‌های جبران خسارت به حساب آورد.

در پنج جای قانون مطبوعات سخن از توقیف به میان آمده که از این تعداد، چهار مورد آن توسط مرجع قضایی و یک مورد از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات صورت می‌گیرد.

در حال حاضر، افزون بر مستندات صدرالذکر، قضات برای توقیف مطبوعات به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری استناد می‌جویند. مواد ۳۷ و ۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات نیز در باب توقیف موقت است.

۲-۴-۵. پاسخ‌گویی

از میان موارد چهارگانه بالا که به عنوان روش‌های جبران خسارت از آن‌ها یاد کردیم، «جلوگیری از انتشار» و «توقیف موقت» در مقررات مطبوعات و ۲ مورد دیگر، در قانون مسئولیت مدنی آمده‌اند.

در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، حق پاسخ‌گویی در ماده ۲۳ ذیل «فصل ششم: جرائم» گنجانده شد که به نظر می‌رسد از حیث رعایت دقایق قانون‌نویسی، بایسته بود فصلی با عنوان «حق پاسخ‌گویی» پیش‌بینی و در آن جای‌می‌گرفت نه فصلی که اختصاص به جرایم و مجازات‌ها دارد. در اصلاحات سال ۱۳۷۹ تبصره‌ای به عنوان تبصره ۴ به این ماده الحاق شد که اختیار شاکی برای شکایت به مراجع قضایی، افزون بر حق پاسخ‌گویی را به رسمیت شناخت.

۳. چالش‌های نظام حقوقی ایران

۳-۱. انتساب مسئولیت

۳-۱-۱. ابهام در مسئولیت صاحب‌امتیاز

صاحب‌امتیاز- مستند به تبصره ۴ قانون مطبوعات- در قبال خطّ مشی کلی نشریه مسئول است. در متون قانونی از «خطّ مشی کلی» تعریفی نشده است و مصادیقی از این مفهوم کلی و مبهم ارائه نگردیده است ولی به نظر می‌رسد منظور از خطّ مشی کلی، همان تعیین زمینه و التزام به آن، موضوع مطالب مورد انتشار، سطح محتوایی مطلب و انتخاب روش ارائه مطالب و گزینش مخاطبان ویژه و ارائه مطلب با عنایت به سطح علمی مخاطبان انتخاب شده باشد. این که مطالب مطبوعات عامه‌پسند باشد یا مورد اقبال گروهی خاص را هم می‌توان از مصادیق خطّ مشی کلی دانست. خطّ فکری و خبری حاکم بر مطبوعات و مندرجات نشریه از موارد دیگری است که داخل در مفهوم خطّ مشی کلی نشریه قابل بر شماری است. با این حال نمی‌توان یک مفهوم کلی و البته مبهمی که در قانون بیان شده، محدود به موارد مذکور دانست مگر این که قانون‌گذار حدود و دامنه این مفهوم را مشخص کند و یا مراجع قضایی در احکام خود موارد معینی برای این مفهوم ذکر و تعیین کنند. (مشایخ، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲ و ۳۶-۳۵)

۳-۱-۲. پیش‌بینی مسئولیت برای غیر مدیرمسئول

به موجب ماده ۲۷ قانون مطبوعات، در صورت اهانت به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید، علاوه بر مدیرمسئول نشریه، نویسنده مطلب نیز به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهد شد. شاید بتوان در نظر گرفتن مسئولیت برای نویسنده افزون بر مدیرمسئول در این ماده را با اهمیت جایگاه مقامات مذکور و جرم اهانت به آنان توجیه کرد.

پیش‌بینی مسئولیت برای نویسنده، به این میزان بسنده نشد و با الحاق تبصره ۷ به ماده ۹ قانون، به مسئولیت نویسنده، اشاره شد. متعاقباً قانون‌گذار در تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱ قانون مطبوعات با مسئول شناختن نویسندگان مطالب خبرگزاری‌ها، بر مسئولیت نویسنده تأکید کرد.

یکی دیگر از موارد پیش‌بینی مسئولیت برای غیر مدیرمسئول، پیش‌بینی مسئولیت برای «سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند» است.

۳-۲. تأثیرپذیری مسئولیت مدنی از محکومیت کیفری

به نظر می‌رسد یکی از چالش‌ها، ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری باشد. بر اساس ماده مرقوم: «هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است.» بنابراین در بسیاری موارد از جمله: افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد، سرقت‌های ادبی، استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران، انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود، انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت و انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد و در سایر مواردی که مبنای ورود ضرر و زیان ادعایی، ارتکاب یکی از عناوین مجرمانه مندرج در مقررات کیفری باشد، خواهان باید پیش از مطالبه جبران آن، محکومیت کیفری و یا انتساب عمل مجرمانه به خود را در دادگاه کیفری اثبات کرده باشد در غیر این صورت،

موضوع می‌تواند از موارد صدور قرار اناطه باشد. مشابه ماده مزبور که حکایت از تفوق امر کیفری بر امر حقوقی است را می‌توان در ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی... مدنی دید.

نظریات مشورتی شماره ۷/۱۰۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ و ۷/۴۶۲۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۰۴ اداره حقوقی قوه قضاییه مؤید مطلب بالاست.

نکته حائز اهمیت آنرا از نظر دور داشت این است که باتوجه به این که افعال زیان‌بار رسانه‌های الکترونیکی عمدتاً واجد عناوین کیفری است بر این اساس، تحلیل حقوقی ارتباط دو حوزه مسئولیتی کیفری و مدنی ضروری است.

در ۲ رأی از آرای دادگاه مطبوعات (رسانه) نیز پیش از ورود این ماده به قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ با استدلال به صدور رأی برائت کیفری، خواسته خواهان دایر بر مطالبه خسارت، رد شده است.

۳-۳. چالش‌های ساختاری در احراز ورود ضرر و مسئولیت

به استناد اصل یک صد و شصت و هشتم قانون اساسی، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.

بررسی رویه قضایی، نشان از توجه قضات دادگاه مطبوعات به نظر هیأت منصفه در اغلب موارد دارد لکن در این میان، استثنائاتی دیده می‌شود از جمله در یکی از آرای آن محکمه (شماره پرونده: ۱۰۰۱۸۷/۱۲۰۱۰۹۹۸۵۱۲۰۸۹ شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۷۵۱۹۲۰۰۱۴۶ تاریخ: ۱۳۹۱/۶/۸ شعبه ۵ دادگاه کیفری استان خراسان رضوی)، با وجود آن که اعضای هیأت منصفه قائل به مجرمیت متهم و عدم استحقاق وی به تخفیف مجازات بوده‌اند، دادگاه حکم بر برائت متهم و رفع توقیف نشریه داده است. در مقابل، در رأی دیگری (پرونده کلاسه: ۹۴۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۶۹ تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۵۶۰۰۲۶۱ مرجع رسیدگی: شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران)، علی‌رغم آن که هیأت منصفه منحصراً متهم را در خصوص توهین به رئیس جمهور با اکثریت آرا مجرم شناخته ولی مستحق تخفیف دانسته‌اند و در سایر موارد اتهامی، به عدم ارتکاب بزه از ناحیه وی ابراز عقیده کرده‌اند، دادگاه ارتکاب بزه‌های انتسابی در حد توهین به رئیس جمهور و معاون ایشان در امور زنان و خانواده را محرز و مسلم دانسته، مدیرمسئول رسانه را محکوم کرده است و می‌توان این اقدام را احراز ارتکاب بزه از سوی دادگاه، با وجود ابراز عقیده هیأت منصفه به عدم ارتکاب بزه، عنوان کرد.

در تعدادی از آرای دادگاه مطبوعات از جمله رأی شعبه ۷۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (کلاسه پرونده: ۲۴/۷۶/۸۶ شماره دادنامه: ۵۴) احراز بزه‌کاری متهم به عهده هیأت منصفه عنوان شده یا نظر هیأت منصفه بر تشخیص یا عدم تشخیص مجرمیت متهم، مبنای تصمیم دادگاه قرار گرفته است. در مقابل، در برخی از آرا از جمله رأی شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران (کلاسه پرونده: ۲۳۱/۷۹/۸۵ شماره دادنامه: ۶۷) احراز یا عدم احراز بزه، از سوی دادگاه رسانه اعلام شده است.

۴-۳. فقدان نظام حقوقی مستقل

نظام قضایی ایران در موضوع خسارت مادی یا معنوی رسانه‌های الکترونیکی و چگونگی جبران آن از سابقه و تجربه چندانی برخوردار نیست. از میان ۱۵۰۰ رأی صادره از مراجع قضایی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، تنها در

چند رأی می‌توان نمودهایی از مسئولیت مدنی و جبران خسارت را یافت که به‌نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی، همین امر است.

برای مثال، در یکی از آرای مرجع دادرسی (شعبه رسیدگی‌کننده: ششم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۳/۱۱/۲۰)، «چاپ مجدد عکس پس از اعتراض شاکی با درج نام صاحب اثر و عذرخواهی در روزنامه»، راه‌های جبران خسارت و موجب عدم احراز ارتکاب بزه و صدور قرار منع تعقیب شناخته شده است.

هم‌چنین، در حکمی از دادگاه مطبوعات (دادنامه شماره: ۱۳۸۴/۲/۱۳-۳۱ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۱ صادره از سوی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران در پرونده کلاسه ۳۲۳/۱۰۸۳/۸۲)، «اعلام آمادگی جهت جلب رضایت شاکی»، یکی از مواردی است که دادرسی بدان احتجاج و با عدم احراز عنصر معنوی بزه و سوءنیت متهمان، رأی بر برائت آنان صادر کرده است.

پرونده هفته‌نامه بازار کار (فراهانی، ۱۳۹۶: ۱۵۸۲-۱۵۷۷) را می‌توان یکی از معدود موارد سابقه و تجربه مواجهه نظام قضایی (مراجع داد سرا، دادگاه کیفری و دیوان عالی کشور) با موضوع ورود خسارت معنوی و هتک حیثیت، در نتیجه فعالیت رسانه به‌شمار آورد.

۴. مدل مطلوب جبران خسارت

۴-۱. تقصیر و فرض تقصیر، مبنای مطلوب

ابداع «فرض تقصیر» یکی از راه‌کارها و فنون حقوقی است که به‌موجب آن، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر عامل فعل زیان‌بار ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۶) بلکه صرفاً باید ورود زیان و رابطه سببیت بین آن و فعل خواننده را اثبات کند و نیازی به اثبات تقصیر خواننده ندارد و برعهده خواننده است که به‌هر وسیله‌ای که می‌تواند اثبات کند که مقصر نبوده است.

چنین به‌نظر می‌رسد که در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی برای کارفرما فرض تقصیر شده است. هم‌چنین بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی یکی از نمودهای انگشت‌شمار این فرض در نظام حقوقی ایران است.

به‌نظر می‌رسد می‌توان فرض تقصیر را در مواردی هم‌چون نقض حریم خصوصی و سیله رسانه‌های الکترونیکی، به‌عنوان مبنای مطلوب مسئولیت مدنی مسئولان این‌گونه رسانه‌ها مطرح کرد. البته این‌نظر، یک امر استثنایی و خلاف قاعده و پذیرش آن، نیازمند تصریح قانون یا ابتکار رویه قضایی در تأیید و اعلام آن‌است بنابراین در وضعیت کنونی، دادرسی چاره‌ای جز به‌کارگیری مفهوم نوعی تقصیر یا نظریه جدید تقصیر که خروج از رفتار متعارف را ضابطه قرار داده است، ندارد. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۴۱ و ۱۵۰-۱۴۹)

۴-۲. تقدّم و حکومت حریم خصوصی بر دیگر کارکردها

بسیاری از کشورهای جهان، آسیب و لطمه‌زدن به‌حریم خصوصی را در هر حال تقصیر می‌دانند ولی برخی کشورها تنها در صورتی که نقض این‌حریم عالملاً عامداً باشد آن‌را تقصیر می‌شمارند زیرا این‌کشورها در هر وضعیتی می‌خواهند آزادی رسانه‌ها را تضمین کنند و تلاش می‌کنند تا لطمه به‌حقوق شخصیت را مجازات نکنند مگر در مواردی که این‌لطمه و آسیب از شدت بیش‌تری برخوردار باشد. در این‌میان، کشورهای دسته‌سومی نیز وجود دارند

که تجاوز به حریم خصوصی را ممنوع می‌شناهند لکن در صورت وجود یک نفع مشروع بسیار مهم، در برخی موارد، لطمه به حقوق شخصیت را مجاز می‌دانند. این نفع مشروع مهم نیز اغلب از ضرورت‌های آزادی اطلاع‌رسانی برمی‌خیزد.

به نظر می‌رسد نظر سَوم از افراط و تفریط دور باشد بدین معنا که چنانچه به حریم خصوصی بر اثر فعالیت رسانه‌های الکترونیکی لطمه وارد آید، فرض بر این است که مسئولان رسانه مقصّر اند مگر این که خلاف این فرض با اثبات وجود یک نفع بسیار مهم عمومی اثبات شود. (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۵۳) نزدیک به این نظر را می‌توان در ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری دید.

چنین به نظر می‌رسد که می‌توان این راه‌کار را به مثابه یکی از اجزاء مدل مطلوب مسئولیت رسانه‌های الکترونیکی پیشنهاد داد.

۳-۴. ضرورت ایجاد تعادل میان مسئولیت مدنی و رسالت و حقوق از سوی نظام حقوقی

پیش‌تر ذکر آن رفت که در نظام قانون‌گذاری و وضع مقررات ایران، از جمله: قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن، به مقوله مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی - خصوصاً - پرداخته نشده و آنچه به نظر می‌رسد عمده‌تاً کلیات و عموماًتی است که می‌توان از آن‌ها بهره‌برد.

این امر ضرورت پرداختن بیش از پیش به این مهم را - باتوجه به افزایش روزافزون تعداد و گسترش حوزه نفوذ این گونه رسانه‌ها - نمایان می‌سازد مضافاً این که نظام قضایی ایران در موضوع خسارت مادی و معنوی رسانه‌های الکترونیکی و چگونگی جبران آن از سابقه و تجربه چندانی برخوردار نیست لکن از یاد نبریم که بر مبنای بند ۲ اصل سوم قانون اساسی، «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر»، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم با به‌کاربردن همه امکانات خود است. مضافاً این که «حق آزادی بیان مطالب» در اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته که باتوجه به اهمیت و جایگاه این حق در فعالیت رسانه‌های الکترونیکی، مسأله درخور اعتنایی است. هم‌چنین بر اساس بندهای نخست ماده ۲ قانون مطبوعات، «رسانتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی برعهده دارد عبارت است از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱.

ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.» و مطابق تبصره آن، «هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهمیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.» و نیز بر مبنای مواد ۳ و ۵ آن قانون: «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.» و «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.»

پس به‌مثابه یکی از ضرورت‌های مدل مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های مزبور، بایسته به‌نظرمی‌رسد نظام حقوقی و قانون‌گذاری کشور در پی ایجاد تعادل میان مسئولیت مدنی و رسالت و حقوق این‌گونه از رسانه‌ها باشد تا هم مسئولیت مدنی به‌هدف خود که جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۵۹) دست‌یابد و هم رسانه‌های الکترونیکی به‌کارکردهای خود که اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، نظارت و... است، عمل کنند.

۴-۴. بهره‌گیری از ظرفیت متن‌های «سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری» یا «میثاق اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها»

پیش‌تر آن‌جا که سخن از تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه‌ای بود، گفته شد که در گستره بین‌المللی، «اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری» به‌تصویب رسیده، قابل استناد است لکن در سطح داخلی، «سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری» یا «میثاق اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها» به‌عنوان نمونه‌های ایرانی آن، هنوز و هم‌چنان به‌شکل پیش‌نویس مانده، مصوب و مستند (قابل استناد) نیست.

چنین به‌نظرمی‌رسد که این متن که بایسته است از تصویب انجمن‌های صنفی و کنشگران عرصه رسانه بگذرد و به‌تأیید آنان برسد، می‌تواند به‌عنوان «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار»، تکمیل‌کننده دیگر مقررات حوزه مسئولیت مدنی رسانه و جبران‌کننده خلأهای احتمالی آن باشد و بتوان آن‌را در مدل مطلوب مسئولیت مدنی مسئولان رسانه‌های الکترونیکی پیشنهاد کرد. فی‌المثل حال که تأسیس «حریم خصوصی» و موارد دیگری هم‌چون «سیاه‌نمایی» و «مطالب خلاف بهداشت روانی جامعه» در قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن، جایی ندارد، وجود سند یا میثاق موصوف می‌توانست در صورت تقصیر رسانه‌های الکترونیکی در امور مهم مذکور، سکوت مقررات را ترمیم کند.

۴-۵. جبران خسارت معنوی به‌شیوه مالی

به‌عنوان یکی از اجزای مدل مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی، پیشنهاد می‌شود شیوه مالی (پرداخت پول) در مقررات تجویز و بدان تصریح شود تا شاید موجب و محرکی باشد برای قضات محاکم تا در آرای خود، بدان حکم کنند.

برای آشنایی با نحوه جبران پولی ضررهای غیر مالی، مثال‌هایی از کشورهای مختلف جهان قابل ذکر است: احکامی که دادگاه‌های آمریکایی در این خصوص صادر کرده‌اند گاهی بیش از سه میلیون دلار بوده است که البته این مبالغ در مرحله تجدیدنظر کاهش پیدا کرده است. در انگلستان نیز به‌مبالغ بسیار بالای خسارت رأی داده شده است. برای مثال، تاجری که در یک مقاله، نا‌صالح خطاب شده بود مستحق دریافت مبلغ ۱۷۵۰۰۰ پوند شناخته شد. اکنون با تصویب قانون هتک حرمت ۱۹۹۶ مطالبه خسارت پولی تنها تا سقف ۱۶ هزار پوند مجاز است. در خصوص نقض حریم خصوصی مبالغ ۳۵۰۰ تا ۵۵۰۰ پوند مورد حکم واقع شده است. (انصاری، پاییز و زمستان ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵)

۴-۶. مسئولیت مدنی صاحب‌امتیاز

چنین به‌نظرمی‌رسد که باتوجه به‌این‌که صاحب‌امتیاز- که در بسیاری موارد شخص حقوقی است- مالک رسانه الکترونیکی است و اصولاً اوضاع و احوال اقتصادی آن بهتر از مدیرمسئول و نویسنده- که عموماً از اقشار فرهیخته علاقه‌مند به‌فعالیت فرهنگی‌اند- است و با تلقی آن، به‌عنوان «کارفرما» ی پیش‌بینی شده در ماده ۱۲ قانون مسئولیت

مدنی و در مقام یکی از اجزاء مدل مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی می‌توان پیشنهاد کرد به مسئولیت صاحب‌امتیاز در جبران خسارات مادی و معنوی تصریح تا از سردرگمی در امر انتساب مسئولیت و تعیین مسئول جلوگیری و موجبات تمرکز مدیرمسئول بر محتویات رسانه و در یک‌کلام، فعالیت فرهنگی فراهم شود.

۷-۴. الزام صاحب‌امتیاز به بیمه مسئولیت کارکنان رسانه

یکی از راه‌کارهای پیش‌بینی شده در قانون مسئولیت مدنی برای جبران خسارت، بیمه مسئولیت کارکنان رسانه است که به این تکلیف قانونی عمل نمی‌شود در حالی که مطابق ماده ۱۳ قانون مرقوم: «کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آن به اشخاص ثالث بیمه نمایند.»

۸-۴. وضع مقررات خاص مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی

در نظام حقوقی ایران، مقرراتی که به مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی اختصاص داشته باشد وجود ندارد و آنچه به نظر می‌رسد عمدتاً کلیات و عموماً هم‌چون قانون اساسی، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی است که می‌توان از آن‌ها بهره برد. مقرراتی که از زمان وضع آن‌ها ده‌ها سال می‌گذرد و در این مدت طولانی، متناسب با پیشرفت‌های تکنولوژیک و هم‌پای تحولات جامعه، حتی اصلاح نشده‌اند. برای مثال قانون مسئولیت مدنی ۶۰ سال پیش و در زمانی به تصویب رسیده که همه بضاعت ایران از این‌گونه رسانه‌ها خبرگزاری پارس بوده است.

در قانون مطبوعات هم که مهم‌ترین مقرره در حوزه رسانه است، مسئولیت مدنی به نسبت مسئولیت کیفری اندک است در حالی که باتوجه به فراوانی و فراگیری این دسته از رسانه‌ها، قانون‌گذاری و پرداختن بیش از پیش به این مهم، بایسته است. این ضعف، صرفاً متوجه رسانه‌های الکترونیکی نیست بلکه در رسانه‌های چاپی اعم از روزنامه و مجله نیز وضع بدین شکل است.

«مجموعه قواعد پیشنهادی حاکم بر مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی» که وسیله برخی اساتید در ۵۴ ماده تهیه و معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۱ آنرا منتشر کرده است (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۱: ۷۲۳-۶۹۹) را می‌توان تلاشی در راستای رفع این کمبود و کاستی به‌شمار آورد بر این اساس، به نظر می‌رسد به‌عنوان یکی از اجزاء مهم مدل مطلوب مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی، وضع مقررات مسئولیت مدنی رسانه از جمله رسانه‌های الکترونیکی پیشنهاد می‌شود.

۱- در نظام قانون گذاری و وضع مقررات ایران، به مقوله «مسئولیت مدنی مسئولان رسانه های الکترونیکی برخط و غیر برخط» - خصوصاً- پرداخته نشده و آنچه به نظر می رسد عمده تاً کلیات و عموماتی است که می توان از آنها بهره برد. این امر ضرورت پرداختن بیش از پیش به این مهم و وضع مقررات خاص را- باتوجه به افزایش روزافزون تعداد و گسترش حوزه نفوذ این گونه رسانه ها- نمایان می سازد. مضافاً این که بررسی آرای دادگاه رسانه نمایانگر آن است که نظام قضایی ایران در موضوع خسارت مادی و معنوی رسانه های الکترونیکی و چگونگی جبران آن از سابقه و تجربه چندان برخوردار نیست. از سوی دیگر نباید از «رسالت» و «حقوق» مطبوعات غافل شد بر این اساس، بایسته است نظام حقوقی و قانون گذاری کشور در پی ایجاد تعادل میان مسئولیت مدنی و رسالت و حقوق این گونه رسانه ها باشد تا هم مسئولیت مدنی به هدف خود که جبران خسارت است دست یابد و هم رسانه های الکترونیکی به کارکردهای خود که اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، نظارت و... است، عمل کنند.

۲- باتوجه به این که در حقوق ایران، قاعده کلی این است که تقصیر، بنیان مسئولیت مدنی است به نظر می رسد بتوان این نظریه را به عنوان مبنای مطلوب مسئولیت مدنی رسانه های الکترونیکی پیشنهاد داد. فواید آن از جمله این است که اولاً مبنایی خلاف اصل بر نظام حقوقی افزوده نمی شود و به تبع آن، قضات دچار سردرگمی نمی شوند. ثانیاً با اتخاذ تدابیر حقوقی ثانوی نظریه مذکور یعنی فرض تقصیر و فرض ضرر، الزامات بنیادین دیگر مبنای مسئولیت مدنی تحقق یابند. در باب فرض تقصیر که می توان آن را در مواردی- هم چون نقض حریم خصوصی وسیله رسانه های الکترونیکی- به مثابه مبنای مطلوب مسئولیت مدنی مسئولان این گونه رسانه ها مطرح کرد، گفتنی است امری استثنایی و خلاف قاعده است که پذیرش آن، مستلزم تصریح قانون یا ابتکار رویه قضایی در تأیید و اعلام آن است. بنابراین در حال حاضر، قاضی ناگزیر از به کارگیری مفهوم نوعی تقصیر یا نظریه جدید تقصیر- که خروج از رفتار متعارف را معیار می داند- است.

۳- از مسئولان رسانه های الکترونیکی، همواره این انتظار می رود که در مورد محتوای فعالیت های خود نظارت لازم را انجام دهند زیرا زیان ناشی از محتوای نادرست این گونه رسانه ها برای هر انسان متعارفی قابل پیش بینی است و عدم توجه به این امر (قابل پیش بینی بودن زیان) یعنی تقصیر یا نقض یک تعهد حرفه ای- عرفی. این چهره خاص از تقصیر، تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه ای نامیده می شود.

۴- در ایران، اصول و قواعد مصوب و مستندی در زمینه «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار» وجود ندارد لکن شاید بتوان بندهای ۶، ۸، ۹ و ۱۱ ماده ۶ و ماده ۳۰ قانون مطبوعات (حدود رسانه های الکترونیکی)، بندهای (الف) و (پ) ماده ۱۴، ماده ۱۶ و بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۷ آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (حدود فعالیت خبرنگار) و ماده ۱۹ قانون مطبوعات و بندهای (پ)، (ت)، (ج) و (ح) ماده ۱۲ آیین نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی و تبلیغاتی (حدود انتشار آگهی های تجاری در رسانه های الکترونیکی) را به عنوان نمونه هایی از قواعد و اصول رفتاری حاکم بر فعالیت رسانه های الکترونیکی مطرح کرد. افزون بر موارد اخیراً ذکر، «اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در روزنامه نگاری» در گستره بین الملل و متن پیش نویس «سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه نگاری» و نیز «میثاق اخلاق حرفه ای رسانه ها» در سطح داخلی را می توان به عنوان نمونه هایی از «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار» طرح کرد با این شرح که اصول مذکور مصوب بوده لکن سند و میثاق مزبور، مستند (قابل استناد) نیستند.

۵- به نظر می‌رسد چنانچه به حریم خصوصی بر اثر فعالیت رسانه‌های الکترونیکی لطمه وارد آید، فرض بر این است که مسئولان رسانه مقصر اند مگر این که خلاف این فرض با اثبات وجود یک نفع بسیار مهم عمومی، اثبات شود.

۶- در صورت ورود ضرر به سبب انتشار مطلبی در یکی از رسانه‌های الکترونیکی، آنجا که سخن از علت پیش می‌آید، از میان صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول و نویسنده، چون در قانون مطبوعات تصریح شده صاحب‌امتیاز در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول است، به نظر می‌رسد نام‌برده بتواند با تمسک به این امر از خود رفع مسئولیت کند و مسئولیت را برعهده دیگران به خصوص مدیرمسئول بیاندازد. در باب مدیرمسئول، از این جهت که از عنوان وی نیز مسئولیت برمی‌آید و در قانون مطبوعات مسئولیت وی مکرر و مؤکد آمده، به نظر می‌رسد بتوان در دعوی جبران خسارت، وی را خوانده اصلی (کارفرمای مندرج در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی) قرار داد. البته این مسئولیت، نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود و زیان‌دیده می‌تواند در راستای ماده ۱۴ قانون مذکور، دعوی خود را علیه صاحب‌امتیاز و یا مدیرمسئول و یا نویسنده طرح کند. با این حال، استناد به مالکیت صاحب‌امتیاز نسبت به رسانه - که در بسیاری موارد شخص حقوقی است - و شرایط اقتصادی مساعدتر نسبت به مدیرمسئول و نویسنده که احیاناً در نتیجه مالکیت رسانه به دست آورده و نیز جایگاه‌اش به عنوان کارفرما می‌تواند پاسخی به احتجاج فوق باشد. پس پیشنهاد شده است در مقررات، به مسئولیت صاحب‌امتیاز در جبران خسارات مادی و معنوی تصریح تا از سردرگمی در امر انتساب مسئولیت و تعیین مسئول جلوگیری و موجبات تمرکز مدیرمسئول بر محتویات رسانه و در یک‌کلام فعالیت فرهنگی فراهم شود.

۷- از دست‌آوردهای این تحقیق آن است که با وجود تکلیف مقنن در ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی به بیمه کارکنان و سیله کارفرمایان در مقابل خسارت وارده از ناحیه آن به اشخاص ثالث، با توجه به ضعف شدید اقتصاد رسانه در ایران که بدون حمایت دولتی و پرداخت یارانه، امکان تداوم فعالیت‌های فرهنگی و از آن جمله رسانه‌های الکترونیکی وجود ندارد، به این وظیفه قانونی عمل نمی‌شود بنابراین، پیشنهادی در متن، مطرح شده است.

۸- گفته شد که یکی از چالش‌های مسئولیت مدنی رسانه‌های الکترونیکی، وجود کلیات و عمومات قانونی است با این حال به نظر می‌رسد باید سسته است تا زمان وضع مقررات خاص، از ظرفیت مذکور بهره‌برد. افزون بر آن، «اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری» در گستره بین‌المللی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از «الگوهای رفتاری نمونه» یا «استانداردهای رفتار» طرح کرد.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها و مقالات

کتاب‌ها

- امامی، سیدحسین (۱۳۸۶). **حقوق مدنی**، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- بجنوردی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۷). **القواعد الفقهیه**، جلد اول، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- بزرگه‌هر، امیرعباس (۱۳۹۴). **قوانین مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و فرانسه**، تهران: نشر میزان.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹). **مسئولیت مدنی**، تهران: انتشارات مجد.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲). **همه حقوق بشر برای همه**، تهران: نشر میزان.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲). **مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی**، تهران: نشر میزان.
- شکرخواه، یونس (۱۳۹۱). **خبر**، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). **مسئولیت مدنی - الزامات خارج از قرارداد**، تهران: انتشارات سمت.
- فراهانی، عذرا (۱۳۹۶). **اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران دهه ۸۰**، تهران: کتاب کوله‌پشتی.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۵). **مبانی مسئولیت مدنی**، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). **دوره حقوق مدنی الزامات خارج از قرارداد: ضمان قهری**، جلد اول، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). **دوره مقدماتی حقوق مدنی - وقایع حقوقی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محبی، مرتضی (۱۳۹۶). **پیرامون حقوق مطبوعات و تبلیغات ایران**، تهران: نشر شخصیت.
- مشایخ، نصیر (۱۳۸۹). **جرایم و تخلفات مطبوعاتی در نظریه و عمل**، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- معلم‌نژاد، رؤیا (۱۳۹۵). **حقوق جهانی ارتباطات**، از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادیهای اساسی**، تهران: نشر میزان.
- هیأت مؤلفان (۱۳۸۱). **مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی**، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

مقالات

- انصاری، باقر (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). **مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها**، مجله حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم: ۷۶-۷۴.
- روشن، محمد و خلیل‌زاده، سیدمحمد مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). **مسئولیت مدنی اصحاب رسانه با مطالعه موردی در مطبوعات**، مجله رسانه، سال بیست‌ویکم، شماره ۴-۳: ۱۲۶.
- تارنما و اسناد (جزوه)

تارنما سامانه جامع رسانه‌های کشور به نشانی اینترنتی: e-rasaneh.ir

جزوه

- درودیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی ۴، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم تحصیلی ۷۷-۷۸